

نظام طبقاتی

در ایران ساسانی

در دوران ساسانی، تنها اقلیتی کمتر از یک و نیم درصد از جمعیت، صاحب همه چیز بوده‌اند. ولیکن بیش از ۹۸ درصد مردم ایران، همانند بردگان، خدمتگزار از طبقات ممتاز بودند!!

اشتراکیت، فرزندان نامشروع نظام طبقاتی:

راه پیشرفت را بی‌مورد نبودن جوامعی دیگر به‌طور شکستگی و نامویدی گشایند؟ چرا گاهی یک جنبش دینی و عقیدتی در اجتماع مورد استقبال و پذیرش واقع می‌شود و گاهی چراغ عمر یک نهضت سیاسی و اجتماعی دیگر، پیش از چند روز نمی‌پاید؟!

جنبشی که بوسیله و مزدک « در ایران ساسانی به‌وجود آمد و از طرف توده مردم مورد قبول و پذیرش واقع شد، هیچ تصادفی نبوده، بلکه سالها قبل، مقلعات این جنبش فراهم شده‌است و در این اواخر، همه بدنبال حل معماهای اجتماعی، ناهنجاریهای

یکی از بهترین نکاتی که مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفته، چگونه نگی تحول و دگرگونیهای جامعه است؛ دگرگونیهایی که به‌نظر برخی به‌صورت تصادف یا اتفاق پیش می‌آید، معمولاً واقعی است که شرایط زمانی و مکانی جامعه، وقوع آنرا ایجاب نموده است.

تاریخ گویای این مطلب است که جنبش‌های مذهبی و اجتماعی، پس از این که شکوفا شوند، زمینه مناسبی برای تحقیر یافتن آنها فراهم شده‌بود. چگونه جامعه‌هایی در جریان تحولها و دگرگونیها

اقتصادی، راجع‌های سیاسی و طبقاتی، بدتعال طرح
بک‌داه و برنامه برای چگونگی بستن بودند.

بطوریکه از بررسی تاریخ اجتماعی ایران
برمی‌آید: «جامعه‌ی ایرانی در عصر ساسانیان
بروزکن مالکیت و خون استوار بود و حدود
و مقرراتی مبین، نجا و اشراف از عامه مردم جدا
می‌کرد، زندگی اشراف از جهت لباس و خوراک و
مسکن و مرکب و زن و خدمتکاران توده مردم یعنی
طبقه‌ی عظیم کشاورزان که تقریباً ۸۰ درصد از سکنه
کشور را تشکیل میدادند قابل فیاس بود، قوانین
و نظامات مملکتی حافظ باکی بودن خاندانها و حفظ
اموال و حقوق نامشروع آنها بود کسی نمی‌توانست
از طبقه پائین به طبقه بالاتر قدم بگذارد و از پیشه و
حرفه‌ی خود عدول کند و راه و رسم و شغل جدیدی
اختیار نماید، در میان طبقات مختلف، جامعه روستاییان
در بدترین شرایط، زندگی می‌کردند و از کلیه
حقوق بشری محروم بودند. بگفته و آریانویس «
اشراف خود را صاحب اختیار غلامان و رعایا
بدانستند، شاید در آن دوره بین غلامان و روستاییان
از نظر حقوق اجتماعی و اقتصادی فرقی وجود
نداشته...» (۱)

مؤلف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» درباره
امتیازات طبقاتی می‌نویسد:

«...چیزی که بیش از همه در میان مردم ایران،
تفاق افکنده بود «امتیازات طبقاتی» بسیار خوشی

(۱) تاریخ اجتماعی ایران ج اول ص ۶۴۸

(۲) تاریخ اجتماعی ایران ج ۲ ص ۲۳

(۳) مآذ اخسر انعام بانحاط المسلمین. ص ۷۰ - ۷۱

چیز بوده اند ولی بالغ بر او دهشت در صد مردم ایران،
همانند بردگان الهبت طبقات ممتاز، حقی حیات
داشتند.

البته بی‌شکست، یکی از دشمن‌های خطرناک انسان،
اختلاف طبقاتی است، نظام طبقاتی برگره‌بین و
نبره‌نبردترین عامل ضد انسانی است، و این نظام
کیف در دوران ساسانی به صورت ذریه‌ناتی برآمده
بود که هر گنگه اندیشه، مذهب، و افراد و خلاصه
همه را فاسد کرده بود و ملت ایران به دو قطب
متخاصم تفکیک شده و در نتیجه آقا آورده، بر خوردار
و محروم به وجود آمده بود.

این وضع بحرانی که در ایران باستان پیش آمده
بود، در دوره روز بحرانی‌تری شد و مسلماً چنین
وضعیتی قابل تحمل نبود. بعضی نوشته‌ها: «بعد
نسبت که جنبش مزدکی بی‌سابقه باشد، و قبل از این
حرکت‌ها در گذشته و کنام مملکت از طرف کشاورزان
بی‌پناه علیه کرده‌ها و اشراف و هیئت حاکمه،
شورشها و اعتراضهایی صورت گرفته باشد ولی
مردمان و ولایح، نگاران آن دوره که بیشتر مؤیدان

انسانی و طبقات مرتضی
معالی معلوم انسانی

معالی معلوم انسانی

معالی معلوم انسانی

(۲) تاریخ اجتماعی ایران: جلد اول ص ۶۴۸: مرتضی راوندی
(۵) تاریخ گریشمن صفحه ۳۴۸

عصر بودند، بحکم منافع طبقاتی خود از این جنبشهای
اعتراضی، سخنی نگفته‌اند. (۲)

«دکتر گریشمن» می‌نویسد: «تمدی و جاهل که
مردم در آن غوطه‌ور بودند آنان را به اعتصاب بر-
می‌انگیخت، اعتصاب امری جدید در جهان قدیم
محسوب نمی‌شد و حملات آن در عصر، یونان و روم
مشهور شده بود... جنبش مزدکی که رنگی دیگر
داشت متنی بر بنیای اجتماعی و اقتصادی بود و به
همین دلیل است که آن را کمونیسم نامیده‌اند. (۵)
همزمان با جنبش مزدکیان اختلاف طبقاتی شدیدی
در جامعه ایران حکومت می‌کرد و توده مردم از این
وضع به ستوه آمده محتملاً طبقات محروم کمابیش
متشکل و متحد و آماده بودند تا زیر پرچم پیشوایی
به یکبارستمشکاران بر خیزند، شاید اگر مزدک هم قیام
نمی‌کرد، شخص دیگری رهبری خنق را بعهده
می‌گرفت.

بدین ترتیب، جامعه طبقاتی ایران ساسانی به‌ماده
قابل انفجار رسیده، زمینه بسیار مناسبی جهت پذیرش
اندیشه اشتراکی در جامعه آن روز ایرانی به وجود
آمده بود.

